

یادداشت

سرزمینی برای رقص گرگ‌ها

اردشیر زارعی‌قنوازی

سیاهیچاله پاکستان بار دیگر دهان باز کرده است تا هسر آنچه را که در این مدار می‌چرخد به درون بلعیده و غبار سیاه و مسموم‌کننده‌ای از آن بر جای بگذارد. شورش‌های دامن‌دار بنیاده‌گرایان در قالب جنبش طالبان پاکستانی، چندپارچگی قومی- مذهبی، عدم کارایی دولت کنونی به رهبری حزب مردم، نفوذ تعیین‌کننده ارتش و سازمان اطلاعاتی آن (ای‌اس‌ای) در تمامی امور، پیوند بی‌ثباتی دو سوی خط مرزی دوراند، میراث تاریخی دخالت در امور کشورهای همسایه، قوام‌نیافتگی دولت مرکزی در کنترل سرزمینی و بروز بلاای طبیعی که سیل ویرانگر اخیر تنها یک نمونه آن بوده، در یک ارتباط ارگانیکی و چندسویه مقدرات و سرنوشت محتومی را برای این کشور رقم زده است. در شرایطی که دولت به رهبری «یوسف‌رضا گیلانی» نخست‌وزیر پاکستان طی هفته‌های اخیر از هر سو زیر فشار قرار گرفته و معضل بزرگ سیل در ایالت سند نیز میلیون‌ها بی‌خانمان و آواره بر جای گذاشته است، یک رقابت و تحول خطرناک هم در عرصه سیاسی- امنیتی این کشور مراحل تکوینی خود را طی می‌کند. از آنجا که در پاکستان به جهت استبداد نظامی و اولویت‌های امنیتی در سیاست داخلی و خارجی، ارتش این کشور در ائتلاف با فتودالیسم سنتی بر تمامی حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی- نظامی، اجتماعی و حتی فرهنگی این کشور اشتراف کامل دارد، به تبع همین ویژگی از دستان بازی برای مانور در همه عرصه‌ها برخوردار است. به همین دلیل در بزنگاه رقابت پنهان و آشکار ارتش با دولت مرکزی مستقر در اسلام‌آباد، نظامیان توانستند به جهت برخورداری از امکانات بی‌شمار خویش در زمینه امداد-رسانی به سیل‌زدگان هم‌تراز با تشکل‌ها و جمعیت‌های خیریه وابسته به بنیادگرایان، گوی سبقت را از دولت گیلانی ربوده و ساخت سیاسی را از اعتبار ملی به زیر سوال ببرند. در چنین وضعیتی که دولت یوسف‌رضا گیلانی به شدت از عدم مشروعیت و کارآمدی رنج می‌برد و چشم‌انداز مثبتی برای بقای خود متصور نیست، نیروهای رقیب برای ساطق کردن این دولت پشت سر هم ردیف شده‌اند. روز جمعه اول اکتبر «پرویز مشرف» رئیس‌جمهوری خلع‌شده و ژنرال سابق ارتش طی یک کنفرانس در شهر لندن در جمع حامیان و خبرنگاران، تاسیس یک حزب جدید با عنوان «آل پاکستان مسلم لیگ» و تلاش برای بازگشت به قدرت را رسماً اعلام کرد. وی در پاسخ به خبرنگار بی‌بی‌سی می‌گوید: «حکومت کنونی پاکستان از کار افتاده است، اقتصاد، مردم و کشور به حال خود رها شده‌اند.» مشرف همچنین می‌افزاید: «در حال حاضر وضعیت در پاکستان به حدی به است که تنها امید مردم به سوی ارتش است.» البته دیکتاتور نظامی پیشین پاکستان در این نشست به واقعیتی نیز اشاره می‌کند که نشان می‌دهد غرب و امریکا در گذشته برای مقابله با اتحاد جماهیر شوروی و دولت مستقل افغانستان چگونه ده‌ها هزار جنگجوی بنیادگرای خارجی را به سه پلانه جیاد علیه کفار به منطقه اعزام کرده و از اهرم پاکستان برای سازماندهی، آموزش و تسلیح این جهادپوین استفاده کرده است. دورخیز ژنرال پرویز مشرف برای حضور دوباره در عرصه سیاسی پاکستان در این شرایط خاص هر گز تصادفی و بر اساس ضروریات تحول اجتماعی در یک نظام دموکراتیک نبوده است. دیکتاتور سابق این کشور که هنوز نیز از نفوذ غیرقابل انکاری در بین ارتش و نظامیان این کشور برخوردار است در وضعیتی پا به این عرصه می‌گذارد که تمام نشانه‌ها حکایت از ظهور معادلات جدیدی در آرایش نهاد قدرت دارد که ارتش در راس آن قرار گرفته است. از آنجا که جامعه جهانی، احزاب سیاسی داخلی و به طور کلی مجموعه نیروهای سیاسی دخیل در امور جاری پاکستان طی سال‌های اخیر و به خصوص در موقعیت شکننده کنونی نسبت به یک کودتای نظامی هشدار داده‌اند، به نظر می‌رسد حزب جدید مشرف پوشش سیاسی عملیات چندلایه‌ای است که در شرف وقوع است. اعتماد اُردس‌رفته افکار عمومی نسبت به صلبیت و کارایی دولت مرکزی و توانایی دیگر احزاب سیاسی موجود برای بسامان کردن اوضاع پیچیده کنونی نیز زمینه مساعدی را برای بازگشت دوباره ارتش و مشرف به قدرت فراهم کرده است. اشاره و تأکید رئیس‌جمهوری سابق پاکستان نسبت به امید مردم به ارتش و سابقه تاریخی پیوند این دو نیز این گمانه‌زنی را تقویت کرده است. از آنجا که مشرف در جامعه سیاسی پاکستان به طور ذاتی دارای هیچ وجهه ملی‌ای نیست، می‌توان پذیرفت وی در قالب حزب جدید خود درصدد ایفای نقش «محلل» جهت ایفای قدرت ارتش در راس هرم قدرت سیاسی کشور خواهد بود. ظاهراً ژنرال دیروز هم در راستای بن‌بست موجود و استراتژی اولویت امنیت بر دموکراسی از سوی غرب در منطقه بی‌ثبات هندوکش، امروز شرایط را برای بازگشت به قدرت مهیا دیده است. از طرف دیگر غرب مدت‌هاست که نسبت به عملکرد دولت پاکستان در خصوص مسائل منطقه‌ای ظنین است و سخنان «أصف‌علی زرداری» رئیس‌جمهوری این کشور در سوم آگوست ۲۰۱۰ مبنی بر اینکه «جامعه جهانی در حال شکست خوردن در جنگ با طالبان است» یک رویارویی آشکار بین اسلام‌آباد و متحدان دیروزی را رقم زده است. ایزوله شدن دولت پاکستان در شرایط کنونی و عدم کارایی آن در مصاف با معضلات داخلی و منطقه‌ای دست قدرتمندان ارتش را برای تغییر در آرایش سیاسی موجود باز کرده است و تحركات جدید مشرف نیز خارج از این موضوع نخواهد بود. به زودی یک دوره بی‌ثباتی سیاسی گریبان این کشور را خواهد گرفت و با قرار دادن قطعات این پازل به‌هم‌ریخته می‌توان به این یقین رسید که زورق درهم‌شکسته اردو در دریای پرتلاطم کنونی در حال حرکت به سمت صخره‌های مرگباری است که گریز از آن تا حدود زیادی نامحتمل به نظر می‌رسد.

وارثان قدرت

نزهت امیرآبادیان

در روز ۲۷ سپتامبر کیم‌جونگ اون سومین و آخرین پسر کیم‌جونگ ایل رهبر کره شمالی به پست مهمی در ارتش کره شمالی منصوب شد. تحلیلگران این ترفیع مقام را اقدامی در جهت جانشینی او در مقام رهبری کشور پیش‌بینی می‌کنند. این مقاله نگاهی دارد به پنج نفر از اقتدارگرایان جهان و فرزندان‌شان که در انتظار جانشینی و به دست گرفتن حکومت پدران‌شان هستند.

حاکم: کیم جونگ ایل، کره شمالی
پسر: کیم جونگ اون، سن: ۲۷ یا ۲۸ سال
عاشق مایکل جردن: تا ماه آوریل گذشته هیچ عکسی از کیم جونگ ایل در رسانه‌ها منتشر نشده و کسی بیرون از کره شمالی عکسی از او ندیده بود، تا زمانی که خبرگزاری مرکزی کره عکس‌هایی از کیم جونگ ایل در حین بازدیداز یک کارخانه فولاد منتشر کرد. در این عکس‌ها ۲۰ مرد که لباس‌های تیره یک‌شکل و کراوات قرمزرنگ پوشیده بودند، رهبر کره شمالی را همراهی می‌کردند. پس از انتشار این عکس‌ها بسیاری حدس زدند که یکی از این مردان کیم جوان است، چون صورت، شکل بدن و شخصیتش کاملاً مشابه پدرش بود. در آن زمان کسی تصور نمی‌کرد او به زودی به یک ژنرال چهارستاره در ارتش کره شمالی تبدیل خواهد شد؛ انتصابی که راه جانشینی در مقام رهبر کره را برای این پسر ۲۸ساله هموار خواهد کرد. مردم کره جنوبی هنوز هم در مورد تلفظ اسم وی شک و تردید دارند چون وی تاکنون در هیچ رسانه‌ای حضور نداشته است.

کیم جونگ اون تا ۱۵ سالگی در یک مدرسه بین‌المللی شبانه‌روزی در شهر برن در سوئیس با یک نام مستعار درس خوانده است. همکلاسی‌های سابق، کیم جونگ اون را پسری خجالتی که عاشق مایکل جردن، اسکی و فیلم اکشن بود، توصیف می‌کنند. او در میان سه پسر کیم جونگ ایل جوان‌ترین است اما ظاهراً او فرزند مورد علاقه رهبر کره شمالی است. تا پیش از این تصور می‌شد کیم جونگ نم که برادر ناتنی و بزرگ‌تر جونگ اون است، وارث پدر خواهد شد؛ تا سال ۲۰۰۱ که جونگ نم برای پدرش رسوایی به بار آورد. در آن زمان جونگ نم سعی کرده بود با پاسپورت جعلی وارد ژاپن شود. (او به پلیس ژاپن گفته بود می‌خواهم به دیسنی‌لند بروم.) کیم جونگ چول بزرگ‌ترین پسر رهبر کره از همان ابتدا نیز به نظر پدر گزینه مناسبی نبود چون گفته می‌شود چهره او بیشتر شبیه یک دختربچه است.

کیم جونگ ایل هم‌زمان در انتصاب دیگری تنها خواهرش کیم کئونگ هوئی را به عنوان یک ژنرال ارتش خلق کره منصوب کرد. می‌توان پیش‌بینی کرد با توجه به اینکه کیم جونگ اون کم‌سن و بی‌تجربه است، خواهر ۶۴ساله رهبر کره شمالی برای نظارت بر انتقال قدرت در صورتی که کیم جونگ ایل فوت کند، منصوب شده باشد. بر اساس گزارش‌ها، کیم جونگ ایل در ماه‌های اخیر دچار سکنه مزمنی شده و در موارد متعدد برای معالجه به چین رفته است. گفته می‌شود خواهر بزرگ کیم جونگ ایل و همسرش که معاون رئیس کمیسیون دفاع ملی کره است، احتمالاً به عنوان محافظان از کیم جونگ اون تا زمان به قدرت رسیدنش فعالیت کنند. اینکه چه کسی جانشین کیم جونگ ایل خواهد شد برای امنیت منطقه شبه‌جزیره کره بسیار مهم به شمار می‌رود.

اما جونگ اون جوان در صورتی که به مقام رهبری کره شمالی منصوب شود، در مقایسه با پدر خود برای حکومت شرایط بسیار سخت‌تری خواهد داشت. او در شرایطی حکومت را در دست خواهد گرفت که وضعیت اقتصادی فاجعه‌بار است. هم‌اکنون بسیاری از کره‌ای‌ها فقر و گرسنگی زندگی می‌کنند و نارضایتی مردم در این کشور رو به افزایش است. کیم جونک ایل در سال ۱۹۹۴ زمانی که پدرش به دلیل عارضه قلبی در گذشت به سادگی قدرت را به دست گرفت.

حاکم: تنودور اوبیانگ انگوئما، گینه استوایی
پسر: تنودور انگوئما اوبیانگ مانگا، سن: ۳۹ سال
شاه پشت پرده: تنودور انگوئما اوبیانگ در حکومت پدر خود عنوان نه چندان درخشان وزیر کشاورزی را دارد با

حقوقی معادل پنج هزار دلار در ماه، اما هیچ‌کدام از این سوابق نمی‌تواند عاملی باشد که او وارث بلافصل حکومت دزدسالار پدر خود شود. دارایی اوبیانگ جوان با نام دوم تنودورین، تنها در ایالت کالیفرنیا ۳۵ میلیون دلار تخمین رده می‌شود. او املاک و دارایی‌های دیگری نیز در س‌آنجلس، پاریس، بوئنوس آیرس و آفریقای شمالی دارد. ناوگان خودروهای لوکس، جت خصوصی و قایق‌های کوچک تفریحی او نیز حدود ۳۳/۸ میلیون دلار تخمین زده شده است. سال گذشته روزنامه نیویورک تایمز گزارش منتشر کرد که در آن میزان حساب‌های بانکی او را در امریکا ۷۳ میلیون دلار اعلام کرده بود. او جوان عیاشی است که باور دارد، می‌تواند در میان ۴۰ خواهر و برادر دیگرش جانشین پدر شود.

حاکم: معمر القذافی
پسر: سیف الاسلام القذافی، سن: ۳۸ سال
معمايي به نام سیف‌الاسلام: سیف‌الاسلام
قذافی ۱۴ساله بود که هواپیمایهای امریکایی در سال ۱۹۸۶ در دوران ریاست‌جمهوری «رونالد ریگان» محل سکونت او و خانواده‌اش را بمباران کردند که در نتیجه آن خواهر خوانده چهارساله‌اش کشته شد. با وجود این خاطره ناگوار، او طی چند سال گذشته خود را به عنوان چهره‌ای دوستدار غرب در خانواده حکومتی منقر لیبی مطرح کرده است. قذافی ۶۸ساله دو همسر دارد. او هفت پسر و یک دختر دارد. بزرگ‌ترین پسرش محمد از همسر اولش است. محمد ریاست کمیته المپیک لیبی را بر عهده دارد. سعدی پسر سوم سرهنگ قذافی فوتبالبازی حرفه‌ای است و

رئیس فدراسیون فوتبال لیبی. او در سال۲۰۰۳ به عنوان بازیکن با تیم ایتالیایی پروچا قرارداد بست، اما بعد از یک بازی معلوم شد که دوپینگ کرده است. پسر چهارم معتصمالله قذافی، در ارتش لیبی سرهنگ دوم بود. او پس از طرح‌ریزی یک کودتای نافرجام علیه پدرش به مصر گریخت. البته معمر پسرش را بخشد و او حالا مشاور امنیت ملی دولت است و در ارتش یگان خودش کار دارد. پسر پنجم، معتصم بالال (معروف به هانیبال) در کار صادرات نفت است و به خاطر رسوایی‌هایش در اروپا مشهور شده. مثلاً در سال

۲۰۱۱ با کپسول آتش‌نشانی به سه پلیس ایتالیایی حمله کرد، در سال ۲۰۰۴ با سرعت ۱۴۰ کیلومتر در خیابانی یک‌طرفه در پاریس در خلاف جهت راند، چند ماه بعد دوست‌دخترش را کتک زد و دختر از او شکایت کرد و بالاخره دو سال بعد هانیبال دو شب را به همراه همان دختر –که حالا زنش شده- در زندان ژنو گذراند چون خدمتکاران‌شان را کتک زده بودند. دو پسر تهنکاری قذافی، سیف‌الاعراب و خمیس در لیبی پلیس هستند. تنها دخترش عایشه وکیلی است که در تیم دفاع از صدام حسین دیکتاتور سابق عراق حضور داشت. در میان هشت فرزند معمر القذافی، سیف‌الاسلام پسر دوم از همسر دومش است. اما آن چیزی که باعث می‌شود گمانه‌زنی در مورد جانشینی احتمالی و نه بلامنازع سیف‌الاسلام تقویت شود انتقادات او از حکومت. ۴۰ساله پدرش است و دعوت او برای اصلاحات در رژیم قذافی. این مولتی میلیون‌نر در اعضای داووس است و به تازگی دکنترای اقتصاد خود

جهان



را از مدرسه‌ای در لندن دریافت کرده است. او در سال ۱۹۹۷ «بنیاد بین‌المللی قذافی برای انجمن‌های خیریه» را راه‌اندازی کرد که علاوه بر فعالیت‌های خیریه، در چند مورد در بحران‌های گروگانگیری، بین افراط‌گرایان و غربی‌ها میانجیگری کرده است. اثر انگشت او تقریباً روی اسناد تمام تعهدات بین‌المللی عمده‌ای که این کشور طی یکی دو سال اخیر در قبال جامعه جهانی سپرده است مشاهده می‌شود. لیبی دو سال قبل پذیرفت که به بازماندگان قربانیان فجایع تروریستی دو دهه اخیر خود غرامت پرداخت کند و طولی نکشید که برنامه‌های تولید سلاح‌های نامتعارف خویش را نیز کاملاً کنار گذاشت. به هر حال سیف‌الاسلام تاکنون در مذاکرات لیبی با کشورهای غربی نقشی کلیدی داشته است و رسانه‌ها او را جانشین احتمالی پدرش می‌دانند، اگرچه خودش این را تکذیب می‌کند.

حاکم: حسنی مبارک، مصر
پسر: جمال مبارک، سن: ۴۶ سال
وارث گلوله: جمال مبارک تنها ۱۷ سال داشت که شاهد ترور رئیس‌جمهور مصر، انور سادات بود. انور سادات روز ششم اکتبر سال ۱۹۸۱ در سالروز رژه پیروزی که در قاهره برگزار شد تنها هشت صندلی دورتر از جمال مبارک نشسته بود که با حمله چند تن از سربازان ارتش مصر که وابسته به گروه جهاد اسلامی مصر بودند به قتل رسید. درست زمانی که هواپیمایهای میراث از بالای میدان رژه با ارتقای پایین و به طور هماهنگ پرواز می‌کردند و تا حدی باعث پرت شدن حواس محافظان می‌شدند، حنیب نظامی‌ای روبه‌روی جایگاه مخصوص که انور سادات در مقابل آن سان نظامی می‌دید در حال عبور بود که ناگهان افراد مستقر در داخل جیب با پرتاب نارنجک و شلیک مسلسل به سوی جایگاه و شخص انور سادات حمله کردند. انور سادات که در آن لحظه ایستاده بود مستقیماً از ناحیه سر مورد هدف تیر مسلسل قرار گرفت و درجا به قتل رسید. حسنی مبارک معاون رئیس‌جمهور وقت مصر نیز که در حادثه ترور از ناحیه دست مورد اصابت تیر قرار گرفته بود، طبق قانون زمام امور را به دست گرفت. در آن زمان حسنی مبارک معاون رئیس‌جمهور بود. حسنی مبارک در حال حاضر سه دهه است که رئیس‌جمهور مصر است؛

بیشترین زمانی که حاکمان مصری در طول یک قرن و نیم گذشته تاکنون در این مقام بوده‌اند. مبارک جوان پیش از شروع به کار سیاسی، به عنوان یک سرمایه‌گذار بانکی در بانک‌های امریکایی ابتدا در قاهره و سپس در لندن شروع به کار کرد اما آماده کردن که برای جانشینی پدرش از سال ۲۰۰۲ آغاز شد هنگامی که حسنی مبارک او را به سمت دبیر حزب دموکرات ملی در کمیسیون سیاسی و در اتاق فکر این کمیته منصوب کرد. حدود سه دهه است که رئیس‌جمهور مصر یکی از ستون‌های صحنه سیاست خاورمیانه است؛ ستونی که همه چیز حول آن می‌چرخد. اکنون در حالی که بیش از یک سال به انتخابات ریاست‌جمهوری مانده، صحنه سیاسی مصر مبهم‌است و کسی نمی‌تواند آینده را پیش‌بینی کند. حسنی مبارک ۸۲ساله‌است و تاکنون تمامی شایعات مبنی بر عدم سلامت او به شدت تکذیب شده است. تا زمان برگزاری

بت ازبکستان: گلناره همزمان یکی از بهترین و شناخته‌شده‌ترین بازیگران زن، ستاره پاپ، فعال اجتماعی، طراح مد و دیپلمات است. در هیچ کشور دیگری همتایی برای گلناره کریف پیدا نمی‌شود. اسلام کریف رئیس‌جمهور پاکستان از زمان فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ تاکنون است. گلناره کریف بزرگ‌ترین دختر رئیس‌جمهور ازبکستان است که صاحب یک امپراتوری تمام‌عیار تجاری است. اسلام کریف در سال ۲۰۰۸ برای هموار کردن راه جانشینی برای دخترش، او را به عنوان معاون وزیر امور خارجه منصوب کرد. گلناره مسوولیت همکاری بین‌المللی در زمینه فرهنگ و امور بشردوستانه را بر عهده گرفت. رزومه گلناره سرچیزه‌آور است. او زمانی سفیر ازبکستان در اسپانیا بود و بعدها به عنوان سفیر و نماینده دائم ازبکستان در سازمان ملل در ژنو فعالیت کرد. گلناره در ازبکستان یک مرکز هنری – فرهنگی معروف و یک مرکز مطالعات سیاسی نیز تأسیس کرده است. او مشاور سفارت ازبکستان در روسیه و صاحب نایت کلاب‌های فراوانی است. او کارخانه سیمان و مخازرات ازبکستان را هم در دست دارد. عده‌ای نیز می‌گویند او در قاچاق دختران ازبک به دویی نقش اصلی را دارد. به عنوان یک زن تحصیلکرده غربی که از هاروارد مدرک گرفته است این‌اطمینان را به پدر ۷۲ساله خود می‌دهد که می‌تواند جانشین خوبی برای او باشد و ثروت و قدرت را در خانواده حفظ کند.

بخشی از این مقاله از وب‌سایت فارین پالیسی ترجمه شده است.

					
تنودور انگوئما اوبیانگ	گلناره کریف	جمال مبارک	سیف‌الاسلام القذافی	کیم‌جونگ اون	
					
					

گزارش

خواهران سرعت فلسطینی

هشت زن جوان فلسطینی اتومبیلران انجمنی به نام «خواهران سرعت» تشکیل داده‌اند و از این طریق تابویی را شکسته‌اند. آنها با اتومبیلران مرد رقابت می‌کنند. مکان تمرین آنها نزدیک یک ایستگاه بازرسی ارتش رژیم اسرائیل است. نور داهود که یکی از «خواهران سرعت» است، با اتومبیل «بی‌ام‌و ۳۲۰» در مسابقات رالی شرکت می‌کند. این اتومبیلران فلسطینی ۲۱ ساله هنگام رانندگی شجاعت زیادی از خود نشان می‌دهد، دقیقاً مانند دیگر اعضای انجمن «خواهران سرعت». آنها در فضای یک پارکینگ، نزدیک یکی از ایستگاه‌های بازرسی اسرائیل تمرین می‌کنند. فلسطینی‌های اهل کرانه غربی بدون اجازه‌نامه ویژه جلوتر از این پارکینگ نمی‌توانند بروند. اما در عین حال تمرین‌های «خواهران سرعت» برای سربازان اسرائیلی تبدیل به یک سرگرمی شده است. آنها از قرارگاه خود به تماشای تمرین‌ها می‌پردازند و گاهی هم اتومبیلران را تشویق می‌کنند. نور داهود در مورد اتومبیل خود می‌گوید: «بی‌ام‌و ۳۲۰ اتومبیل نسبتاً خوبی است. حجم سیلندر سه لیتر است و دنده اتوماتیک دارد. البته مدت‌هاست که می‌خواهم به جای آن دنده دستی نصب کنم اما اطرافیانم می‌گویند این کار را نکن، تو خودت را آخر به کشتن می‌دهی.» به دلیل وجود شمار زیاد ایستگاه‌های بازرسی اسرائیلی در منطقه، مسیریاهی که اعضای «خواهران سرعت» در آن می‌توانند تمرین کنند، بسیار محدود است. تنها نور داهود اجازه ورود به عمق سرزمین‌های اشغالی سال ۱۹۴۸ را دارد چون ساکن بیت‌المقدس شرقی است. نور از یکی از تجربه‌های خود در برخورد با پلیس رژیم اسرائیل می‌گوید: «یک بار پلیس اسرائیل می‌خواست مرا دستگیر کند. من در یکی از اتوبان‌های تل‌آویو با سرعت ۱۹۰ کیلومتر رانندگی می‌کردم. بعد از اینکه کارت اتومبیلرانی خودم را به او نشان دادم، من تر گفت، باشه، اما لطفاً اینجا تمرین نکن». جوان‌ترین اتومبیلران انجمن «خواهران سرعت» دختری ۱۸ساله به نام «مراح» است. او در زادگاه خود «جنین» شهری در شمال کرانه غربی رود اردن زندگی می‌کند. با وجود اینکه این شهر تنها ۶۳ کیلومتر از رام‌الله فاصله دارد،



مراح مجبور است به دلیل وجود شمار زیاد ایستگاه‌های بازرسی اسرائیل راه طولانی‌تری را انتخاب کند و به این ترتیب هر بار برای رفتن به محل تمرین چندین ساعت در راه است. او از علاقه به اتومبیلرانی تعریف می‌کند و می‌گوید: «من عاشق رانندگی هستم، از بچگی رانندگی می‌کردم. مادر هم مربی رانندگی بود و مرا همیشه حمایت می‌کرد. روزی یک سازمان اتومبیلرانی مرا دعوت به همکاری کرد.»

شیفتگی مراح به رانندگی در ابتدا در شهر محافظه‌کاری مانند جنین با بدبینی روبه‌رو بود. به هر حال حضور دختری با لباس تنگ اتومبیلرانی و کلاه ایمنی در جمع اتومبیلرانان حرفه‌ای برای مردم شهر جنین اتفاق نادری بود و به آن عادت نداشتند. اما پس از نخستین موفقیت مراح، بدبینی‌ها دیگر از بین رفت.

مادر مراح می‌گوید: «مراح برای این ورزش زاده شده است. من همیشه او را حمایت می‌کردم، حتی پیش از اینکه پدرش با فعالیت او به عنوان اتومبیلران حرفه‌ای موافق باشد. او از ۱۰ سالگی رانندگی می‌کند.» عضو دیگر انجمن «خواهران سرعت» بتی سعدی ۲۹ساله است. پدر او صاحب مرکز خرید بزرگی در بیت لحم است و همین طور یکی از مهم‌ترین اسپانسرهای بتی. پدر بتی برای خرید اتومبیل دخترش ۳۰ هزار دلار هزینه کرده بود. به همین دلیل هنگامی که دخترش در آخرین مسابقه رالی تنها توانست مقام دوم را کسب کند، بسیار دلخور شد. بتی تنها پنج ثانیه دیرتر از رقیب مرد خود به خط پایان رسید. او می‌گوید: «وقتی ما نتایج بهتری نسبت به مردان کسب می‌کنیم، بعضی از این حسادت می‌کنند. اما بسیاری هم دوست دارند ما حتماً در مسابقه‌ها شرکت کنیم چون به نظر آنها رالی بدون حضور زنان کسل‌کننده است.» زمان مسابقه بعدی از الان مشخص است؛ در ماه نوامبر و باز هم در رام‌الله. گفتنی است وزارت امور اسرا و آزادگان فلسطینی در گزارشی به مناسبت هشتم مارس مصادف با روز جهانی زن، اعلام کرد آمار بازداشت‌شدگان زن فلسطینی توسط نظامیان صهیونیست از سال ۱۹۶۷ تاکنون به ۱۵ هزار تن می‌رسد.

این گزارش همچنین آورده است نظامیان رژیم صهیونیستی در نخستین انتفاضه در سال ۱۹۸۷، بیش از ۳۰۰ زن فلسطینی را اسیر کرده و در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ میلادی نیز ۹۰۰ زن فلسطینی دیگر را بازداشت کرده‌اند و در حال حاضر نیز ۳۶ زن فلسطینی در زندان‌های صهیونیست‌ها به سر می‌برند. در ادامه این گزارش، با اشاره به وضعیت نامناسب زندان‌های اسرائیل آمده است: نظامیان صهیونیست فرقی میان زندانیان مرد و زن قائل نیستند و بدون توجه به جنسیت، زنان فلسطینی را هم مورد ضرب و شتم و اهانت قرار می‌دهند. وزارت امور اسرا و آزادگان فلسطین در ادامه این گزارش نسبت به وضعیت بد بهداشتی و غذایی زندان‌های رژیم اسرائیل هشدار جدی داده است. این گزارش در پایان خاطرنشان می‌کند تاکنون هفت تن از زنان زندانی در زندان‌های صهیونیستی به شهادت رسیده‌اند که مقامات این رژیم از تحویل اجساد آنها به خانواده‌هایشان خودداری می‌کند.